

شهدا از بزرگترین حسرت‌شان می‌گویند

واقعۀ کربلا و حماسه امام حسین(ع) در نگاه شخصیت‌های بزرگ دینی و اجتماعی به عنوان یک «فرهنگ پیشرو» محسوب می‌شود...



واقعۀ کربلا و حماسه امام حسین(ع) در نگاه شخصیت‌های بزرگ دینی و اجتماعی به عنوان یک «فرهنگ پیشرو» محسوب می‌شود؛ اگرچه فرهنگ محرم سال 61 هجری ظهور یافت اما موجب شد تا پس از گذشت 14 قرن از آن حادثه، مجاهدانی در سرزمین ایران از آموزه‌های سید و سالار شهیدان پیروی کنند و هشت سال در جبهه حق با قدرتهای باطل و رژیم بعثی صدام برای دفاع از کرامت ملی و دینی خود بپا خیزند.

به گزارش سرویس «فرهنگ‌حماسه» ایسنا، بدون شک اگر به فرازهایی از ووصایای شهدا پیرامون واقعۀ کربلا، عاشورا و امام حسین(ع) نگاهی بیاندازیم درخواهیم یافت که بزرگترین حسرت شهدا این بوده است که چرا در عصر سالار شهیدان توفیق زندگی نداشته‌اند تا با بذل جان در رکاب سرور جوانان اهل بهشت به احیای اسلام و دفاع از کرامت انسان بپردازند.

در همین راستا شهید «محمد رضا چلوپان» در وصیت‌نامه‌اش یادآور شده است: هدفم از آمدن به این مکان مقدس (جبهه) و هدیه کردن خون ناقابل خود به اسلام این بود که اسلامی را که هزاران سال آن را در بین ما گم کرده بودند و همه ما آن را به فراموشی سپرده بودیم، دوباره زنده شود و یاد واقعی امام حسین (ع) یا هدف نهایی عاشورا در ما زنده شود. پیش از این به ما آموخته بودند؛ که عاشورا یعنی گریه کردن و بر سر و سینه زدن.

شهید «منصور جلالی» هم در وصیت‌نامه خود می‌نویسد: ای کسانی که تعهد اسلامی دارید و خویش را مسلمان و پیرو خط امام می‌دانید، آگاه باشید که امروز روز آزمایش است همانند صحنه و روز عاشورا، آنها که ماندند و یکایک تا آخرین نفس در این ادعاها صادق بودند در روز عاشورا کنار حسین (ع) جنگیدند و تا آخرین نفر به شهادت رسیدند و این شهادت نه اینکه برای آنان تلخ باشد بلکه از عسل شیرین‌تر بود.

شهید یوسف پریمی نیز درباره آنچه از امام حسین(ع) آموخته است در وصیت نامه خود اشاره می‌کند: از سرور شهیدان حسین ابن علی (ع) و خواهرش، کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا را آموختیم که در روز عاشورا فرمودند. اگر در سال 61 هجری یزیدیان و پیروان شیطان، فرزند پیامبر را در سر دو راهی تسلیم که همان ذلت باشد و کشته شدن قرار داده بودند، امروز هم استکبار جهانی و پیروان یزیدیان، ما را در سر دو راه قرار داده‌اند که یا تسلیم یا مرگ سرخ. اما ای برادران و خواهران، توجه داشته باشید که ملت ما با استقامت و ایثارگری خود توانست اسلام را دوباره در جهان احیا کند و امروز مسئولیت ما بسیار سنگین است که باید اسلام، این امانت الهی، را حفظ کنیم.

علاوه بر این، شهید حمیدرضا جمعه خطاب به مادرش نوشته است: مبادا مروارید چشمایت صورتت را خراش دهد مادر، زیرا که منافقین خوشحال می‌شوند. اگر بر سر قبر من اشک ریختی، به یاد امام حسین (ع)، علی اکبرش و قاسم او نیز باش که پیکرهایشان در زیر سم اسبان لگدمال و پاره پاره شد. پس تو را به صبر و شکیبایی زینب وار توصیه می‌کنم، آن چنان که زینب (س) داشت و مقاوم و بردبار بود.

سید مهدی تقوی در وصیت نامه خود درباره اینکه چرا سعادت زندگی در عصر امام حسین(ع) را نداشته است، می‌گوید: ای عزیزان، در حقیقت به فکر این بودم که چرا سعادت نداشتم که در عصر امام حسین زندگی کنم تا آن سرور شهیدان و رهبر آزادگان را یاری می‌کردم. ولی پس از پیروزی انقلاب، خوشحال شدم از اینکه اگر آن زمان‌ها نبودم، لیکن در این زمان امام زمان خود و راهنمای الهی خود را یعنی امام امت را درک کرده‌ام و زیارت کردم.

شهید «رجب پریمی» هم در وصیت‌نامه خود نوشته است: تعالی برای اینکه ما را امتحان کند اینکه می‌گوییم: «ای کاش ما هم در کربلا می‌شدیم، یاری امام حسین (ع)» شعار است یا عمل، واقعۀ کربلا را زنده کرد.